

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۳

صص ۷۶-۵۹

بررسی جامعه‌شناختی رمان زنان بدون مردان شهرنوش پاریس پور

جمشید یداللهی آهنگر^۱

دکتر صمد صباغ^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۲/۳۰

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات، از شیوه‌های جدید و کارآمد مطالعه و بررسی آثار ادبی مانند یک پدیده اجتماعی می‌باشد. تحقیق حاضر به روش تحلیل محتوا و جامعه آماری این پژوهش رمان زنان بدون مردان شهرنوش پاریس پور است. نقد و بررسی و تحلیل این رمان با توجه به ساختار تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران در دهه ۱۳۳۰ هدف این رساله بوده است. در این تحقیق سعی شده است با استفاده از روش ساختارگرایی تکوینی گلدمن و نظریه جامعه‌شناسی کنش‌های ارتباطی هابرماس با این اثر ادبی به مکاشفه پردازیم. رمان (در ۱۵ بخش و ۵ شخصیت زن و نمادهای مورد استفاده در متن) مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی بر اساس روش گلدمن رمان در دو مرحله‌ی دریافت و تشریح، بررسی شده و از روش کنش ارتباطی هابرماس به عنوان مکمل استفاده شد و در این پژوهش نتیجه گرفتیم که ساختار زیبایی‌شناختی رمان و ساختار عینی جامعه در برهه مورد نظر ما دارای رابطه متقابل هستند و می‌توان برای آن‌ها هم ارزی ساختاری را در نظر گرفت. ۱۵ بخش کتاب در جهت ارائه تفکر فمینیستی بوده و بازتاب ایدئولوژی و نگرش نویسنده الگو گرفته از افکار فمینیستی می‌باشد.

در بررسی این اثر دیدگاه زنانه نمود یافته است و زنان از خود بیگانه و در سیطره مردان و اسیر آنان بوده و از خود اراده‌ای ندارند. او به دنبال تحول نقش و افکار زنانه بوده و تنها راه رسیدن به هویت مستقل زنانه را شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و ایفای نقش‌های متفاوت با آزادی کامل و بدون قید و شرط، همپای مردان می‌داند.

واژگان کلیدی: ساختار معنادار، از خود بیگانگی، فمینیسم، زیبایی‌شناختی و هویت اجتماعی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی؛ تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

با توجه به این که مسئله اصلی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی رمان زنان بدون مردان است و قصد داریم به مشابهت ساختار روایی و زیباشناختی اثر با ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران مطرح شده در آن بپردازیم هم به بحث ادبیات می‌پردازیم و هم به ارتباط آن به حوزه جامعه‌شناسی می‌پردازیم. در خصوص موضوع تحقیق مقاله‌هایی به چاپ رسیده است و گفتنی است که عمده اهمیت این مطالعات در واقع رابطه دیالکتیکی میان متون به مثابه کنش فعال ذهن نویسنده در بیان جهان‌نگری و آگاهی جمعی گروه یا طبقه‌ای خاص که نویسنده منتسب و نماینده آن به شمار می‌رود می‌باشد. ادبیات در عین هدف بودن می‌تواند ابزاری توانمند برای بررسی نهادهایی چون سیاست، فرهنگ، جامعه، خانواده و ... باشد. در ایران نویسندگانی بوده‌اند که با نمایاندن اجتماعیات در وادی ادبیات و تاریخ در لابلای قصه‌ها نگرش‌های‌شان را بیان داشته‌اند و در حیطه ادبیات آینه‌ای تمام‌قد از زندگی، فرهنگ، جامعه و خانواده پرورانده‌اند. ما می‌توانیم افق روزگار یاد شده را با توجه به افق امروزی معنایابی کنیم.

هر پدیده هنری یا ادبی، سه دسته واقعیت را به همراه دارد، خود اثر، مخاطبان و آفرینشگران. حضور عناصر مختلف اجتماعی و فرهنگی در این شبکه ارتباطی مسائلی را برای بررسی و تحلیل به وجود می‌آورد؛ حضور آفرینشگران (پدیدآورندگان) مسائل مربوط به تفسیرهای روانی، اخلاقی، فلسفی و اجتماعی را مطرح می‌کند. آثاری که واسطه‌ای است میان پدیدآورندگان و مردم، مسائلی مربوط به سبک، زبان، صنعت نگارش و زیبایی‌شناسی را پیش روی ما می‌گذارد و سرانجام جمع خوانندگان، عرصه مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی را بر ما می‌گشاید (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۰-۹).

در بررسی یک رمان می‌توان ردپایی از فرهنگ جامعه و همچنین نحوه شکل‌گیری و توسعه آن را مشاهده کرد. جامعه‌شناسی ادبیات بخشی از تجربه انسانی است که بر بستر همین تجربه رشد می‌یابد و بارور می‌شود. جامعه‌شناسی ادبیات حوزه‌های گوناگونی دارد که می‌تواند شامل بررسی جامعه‌شناختی درباره چاپ و پخش آثار ادبی با پذیرش و دریافت‌های آن باشد که بیشتر مورد نظر پوزیتیویست‌هاست و یا بررسی جنبه‌های جزئی ادبی در مقام نشانه‌ها و فرامونده‌های آگاهی جمعی و دگرگونی‌های آن باشد که بیشتر در آمریکا رایج است و نوع سوم جامعه‌شناسی ادبی که مورد نظر این پژوهش نیز هست اثر پدیده‌ای اجتماعی می‌داند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۹۸).

آنومی میتران محقق فرانسوی در مقاله‌ای با عنوان نقد تکوینی و تاریخ فرهنگ بین نقد تکوینی و نقد جامعه‌شناختی ارتباط برقرار می‌کند. به نظر او در نقد تکوینی موضوع خود را در حیطه تولد ذهن و اندیشه و هم‌چنین در آستانه ظهور تفکر قرارداده است. جایی که نویسندگان می‌کوشند ضمن تلاش فراوان بر خلق یک اندیشه از ورای یک اثر، تفکر خود را به جمعی که مخاطب ایشان محسوب می‌شوند عرضه کنند. رمزگشایی از اسناد و منابع اجتماعی، فرهنگی و تاریخی از یک سو و همسو شدن آن با اهداف

نویسنده برای خلق اثر خود از سوی دیگر و هم‌چنین خلق خود متن نیز از سویی، مثلثی را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن را مثلث تکوین نامید (نامور و دیگری، ۱۳۸۸: ۳۰).

در نقد تکوینی علاوه بر شناخت متن هنری، موجب شناخت بهتر مولف اثر نیز می‌شود. لانسون یکی از بنیان تحقیقات تکوینی، در این مورد می‌گوید: می‌توان با این بررسی، نشانه‌هایی از استعداد و ذوق نویسنده را به دست آورد (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۳۱۸).

موضوع بررسی جامعه‌شناختی آثار ادبی در جهان از سابقه‌ای چندان طولانی برخوردار نیست و بیش از یک سده از عمر آن نمی‌گذرد. علم جامعه‌شناختی به همت کنت، اسپنسر، لوپله و دورکیم به سوی استقلال گام برداشته بود و ادبیات را کنار گذاشته بود زیرا که ادبیات عرصه‌ای پیچیده با داده‌ها و تعریف فوق‌العاده نامطمئن بود که از نوعی احترام انسانی نیز برخوردار بوده است.

به طور کلی هدف بررسی جامعه‌شناختی آثار ادبی، صورت ادبی و محتوای آثار از منظری جامعه‌شناختی و به عبارت دیگر نگاه به متن در پهنه شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان آفرینش آثار ادبی می‌باشد. رمان زنان بدون مردان از شرایط ناامن موجود در زمان کودتای ۱۳۳۲ بر علیه دولت دکتر مصدق استفاده کرده و آن را به اضطراب و سردرگمی هویتی زنان متصل می‌سازد. شرحی از زنان این دیار که به کار خانه می‌پردازند و در تحت انقیاد جنس مذکر هستند و با داشتن اعتقاداتی خاص و بی‌پایه در فکر تغییر وضع موجودند. نویسنده با تابوشکنی بارنج زنان همراه می‌شود. نویسنده که تحصیل کرده رشته جامعه‌شناسی است سعی می‌کند به یک تحلیل جامعه‌شناختی در این اثر برسد. او محصول دوران و مقطعی است که از یک سو ایران تجدد و صنعتی‌شدن را تجربه می‌کند و از سوی دیگر مردم بعد از قیام مشروطه هنوز به آزادی‌های مدنی دست نیافته‌اند. نویسنده سعی در بیان افکار خود و به حرکت در آوردن بخشی از جنبش‌های زنان دارد. از این رمان فیلمی به همین عنوان ساخته شده و جوایز معتبری را برای کارگردانش به همراه داشته است.

سوالاتی که مبنای تحقیق می‌باشد:

۱. آیا افکار نویسنده در استفاده از رئالیسم جادویی برای به چالش کشیدن باورهای دینی و اعتقادی، نشان‌دهنده هماهنگی فکری و عقیدتی متعهدانه فمینیستی و زن‌گرایانه و مردستیزانه است؟
۲. آیا بین ساختار زیباشناختی رمان و ساختار عینی جامعه در زمان پرورش و آفرینش اثر از سوی دیگر روابط متقابل و همخوانی (هم‌ارزی) ساختاری وجود دارد؟
۳. آفریننده رمان دنبال‌کننده کدام جریان و یا طبقه فکری می‌باشد و چه دیدگاهی برای رهایی زنان ایرانی از وضعیت موجود ارائه کرده است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی

تعیین هم‌ارزی و مشابهت ساختاری بین ساختار روایی و زیبایی‌شناختی رمان زنان بدون مردان و ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران در تاریخ وقوع و خلق این اثر داستانی.

اهداف اختصاصی

۱. تعیین علت مطرح شدن تاریخ وقوع داستان در روزهای کودتای ۱۳۳۲ برای دستیابی به نوعی شناخت فراگیر و بیان ویژگی‌های اجتماعی و مناسبات میان آن‌ها.
۲. تعیین هدف نویسنده در تابو شکنی و استفاده از رئالیسم جادویی در به چالش کشیدن باورهای دینی و اعتقادی، با استفاده از هماهنگی فکری و عقیدتی متعهدانه فمینیستی و زن‌گرایانه و مردستیزانه.
۳. تعیین این‌که آیا نویسنده رمان به دنبال افکار فمینیستی (رادیکال) بوده و راه‌های رهایی زنان را بر اساس این تفکر چه دانسته است.
۴. تعیین علت احساس از خود بیگانگی زنان و عدم وجود آگاهی یکپارچه در زندگی روزانه.
۵. تعیین تاثیر تحولات اجتماعی سال‌های دهه ۳۰ و حوادث مرتبط با آن بر آگاهی زنان برای دستیابی به حقوقشان.

سوال‌های پژوهشی

۱. به نظر می‌رسد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر علیه دولت مصدق و شرایط بحرانی آن دوره زمینه‌ساز خود آگاهی جمعی زنان در ارتباط با شرایط اجتماعی و احیای خود باوری در زنان بوده است.
۲. به نظر می‌رسد هدف نویسنده با تابو شکنی و استفاده از رئالیسم جادویی برای به چالش کشیدن باورهای دینی و اعتقادی، نشان‌دهنده هماهنگی فکری و عقیدتی متعهدانه فمینیستی و زن‌گرایانه و مردستیزانه است.
۳. به نظر می‌رسد نویسنده رمان به دنبال افکار فمینیستی (رادیکال) بوده و رهایی زنان را بر اساس این تفکر مطرح کرده است.
۴. به نظر می‌رسد که احساس از خود بیگانگی زنان به علت عدم وجود آگاهی یکپارچه در زندگی روزانه بوده است.
۵. به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی سال‌های دهه ۳۰ و حوادث مرتبط با آن بر آگاهی زنان برای دستیابی به حقوقشان تاثیر داشته است.

تعاریف مفهومی واژگان

فمینیست

کلمه فمینیست^۱ نخستین بار در ۲۷ آوریل ۱۸۹۵ در مجله آنتیوم در نقد کتابی مطرح شد، در تعریف زنی «که قابلیت جنگیدن برای کسب استقلال خود را دارد» سال ۱۸۹۵ زمان اوج مبارزات زنان اروپایی و آمریکایی برای کسب حق رای است و جسارت زنان فعال در این مبارزه که از تحسن و انداختن خود زیر چرخ کالسکه‌ی سیاست‌مداران و زندانی شدن واهمه‌ای نداشتند در نتیجه، کلمه فمینیست از بدو ورود به دایره لغات، حرکتی افراطی، سنت ستیز و درد سر آفرین را تداعی می‌کرد. زنانی که با این حرکت و با این کلمه شناخته می‌شدند بلافاصله در اقلیتی محکوم قرار می‌گرفتند (وولف، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۴).

فمینیسم به اندازه سابقه تابعیت زنان قدمت دارد، زنانی که تقریباً همیشه و همه جا در انقیاد بوده‌اند. نوشته‌های فمینیستی از سال ۱۶۳۰ تا سال ۱۷۸۰ به صورت اعتراض‌هایی جسته و گریخته ولی دایمی بوده است. از ۱۷۸۰ تا کنون، این نوشته‌ها جنبه انتقادی حادی پیدا کرده‌اند و نویسندگان هر چه بیشتری در عرصه‌های گوناگون انتقادی در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۱۵).

هسته اصلی دیالکتیک فمینیستی مبتنی بر نوعی جامعه‌شناسی معرفت است که جهان را نه از یک نوع دیدگاه واحد و یکنواخت انسانی بلکه از دیدگاه‌های متفاوت کنشگرانی مورد بررسی قرار می‌دهد که در موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی قرار دارند و به طبع برداشت‌های متفاوتی نیز از واقعیت دارند. انسان‌ها به علت قرار گرفتن در این موقعیت‌های متفاوت تجارب جداگانه‌ای از زندگی اجتماعی دارند و این تجارب متفاوت انسان‌ها را به برداشت‌ها و عقاید و نظرهای گوناگونی درباره واقعیت اجتماعی سوق می‌دهد. دیالکتیک فمینیستی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که حقیقت و واقعیت نه از یک چشم‌انداز ویژه بلکه از تقاطع چشم-اندازهای انسان‌های متفاوت در موقعیت‌های متفاوت سرچشمه می‌گیرد (همان: ۵۲۳).

ساختار معنادار

ساختار معنادار عنوان زیبایی‌شناسی دیالکتیکی نه فقط در برگیرنده مکتب لوکاچی به معنای خاص یعنی آثار کوهلر، لوسین گلدمن و شاگردان آنان است بلکه کارهایی را نیز در بر می‌گیرد که آشکارا به لوکاچ استناد نمی‌ورزند یا فقط پیوندی جزئی با نظرهای او دارند. مانند کتاب برجسته آوئر باخ به نام محاکات یا تاریخ اجتماعی ادبیات و هنر اثر آرنولد هاووزر. اهمیت زیبایی‌شناسی دیالکتیک در آن است که این زیبایی‌شناسی از همان نخستین آثار لوکاچ بر مفهوم ساختار معنادار متمرکز شده است، یعنی بروحدت و معنای اثر و از همین رهگذر بر خصلت حقیقتاً زیبایی‌شناختی آن (پوینده: ۵۳).

ساختار معنادار نمود اصلی یک کلیت منسجم و یگانه است. این کلیت در بردارنده یک نظام فلسفی یا نظام مفهومی معین است. به نظر گلدمن، نظام مفهومی نهفته در اثر دو کارکرد دارد: یکی این که وحدت

^۱ Feminist

^۲ Structur Significance

و یگانگی اثر یا ساختار معنادار را محقق می‌سازد. و دیگر این که جهان‌نگری با آگاهی گروهی و جمعی را بیان می‌کند (گلدمن و دیگری، ۱۳۷۶: ۶۲-۶۱؛ به نقل از ارشاد: ۳۷۵).

از خود بیگانگی

از ریشه‌ی لاتینی Alienare به معنای «بیگانه ساختن» گرفته شده است. مفهومی است از هگل که رابطه موجود بین نفی و اثبات را مشخص می‌دارد. در حالت نفی (برده)، اثبات (ارباب) دیگر باز شناخته نمی‌شود. چه، نسبت به خود بیگانه گردیده است، همان طور که برده نیز به سهم خود از مالکیت ارباب رها شده و نسبت به او بیگانه است (بیرو، ۱۳۸۰: ۱۱).

سارتر به صراحت می‌گوید غرض از ادبیات تلاش و مبارزه است، تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای درک حقیقت و برای آزادی انسان (سارتر، ۱۳۶۳: ۳۵).

اندیشه‌های روسو در رساله‌ای درباره نابرابری شاید نخستین سرچشمه مفهوم از خود بیگانگی باشند. تصویر زنده‌ای که او از خوبی طبیعی انسان و فاسدشدنش توسط جامعه برکشیده است، تاکید او بر نابرابری که انسان‌ها بنا نهاده‌اند، و وحشتی که او از تاثیر تباہ‌کننده جامعه بر طبیعت بشری داشت، همگی این‌ها در مورد وضع نابسامان بشر نظرهای انتقادی را برانگیخته بودند (کوزر، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

لوکاک در کتاب تاریخ و آگاهی طبقاتی^۱ به هنگام بحث درباره آگاهی ممکن به تشریح دورنمای نظری آگاهی طبقاتی می‌پردازد و آن را بصورت آگاهی بالقوه (آگاهی طبقاتی عبارت است از اندیشه‌ها و احساس‌هایی که اعضای یک طبقه خودآگاه یعنی طبقه‌ای که به درک موقعیت اجتماعی خویش نائل آمده است باید داشته باشد) در نظر او گروه‌های خاص قادر به درک کلیت امور و حقایق نیستند و هرگروهی صرفاً تا حدی معین، که همیشه تابع موقعیت عینی زمانه است به درک وضعیت خود و موقعیت، اهداف و اعمال دیگر گروه‌ها می‌رسد (پوینده، ۱۳۹۲: ۲۰).

از خود بیگانگی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن، انسان‌ها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده‌شان قرار می‌گیرند و این نیروها بعنوان قدرت‌های بیگانه در برابرشان می‌ایستند. عقیده مارکس، همه نهادهای عمده جامعه سرمایه‌داری، از دین و دولت گرفته تا اقتصاد و سیاست، دچار از خود بیگانگی‌اند. وانگهی، این جنبه‌های گوناگونی، وابسته به یک‌دیگرند. "عینیت بخشی" کار از خود بیگانگی است. درست هم چنان که انسان تا زمانی که تحت تاثیر دین است، ذات خویش را تنها می‌تواند با یک هستی از خود بیگانه و موهوم عینیت بخشد. برخلاف صورت‌های دیگر از خود بیگانگی، از خود بیگانگی اقتصادی نه تنها در اذهان انسان‌ها بلکه در فعالیت‌های روزانه‌شان نیز رخ می‌دهد. از خود بیگانگی مذهبی تنها در عرصه آگاهی و در زندگی درونی انسان رخ می‌نماید، اما از خود بیگانگی اقتصادی به زندگی واقعی باز بسته است. به هر

¹ Class Consciousness

روی، از خود بیگانگی نه تنها در نتیجه تولید، بلکه در فراگرد تولید و در چهارچوب خود فعالیت تولیدی نمایان می‌شود. انسان از خود بیگانه از اجتماع بشری و از هستی نوعی‌اش نیز بیگانه می‌گردد. انسان از انسان‌های دیگر بیگانه شده است. انسان در برابر خودش قرار می‌گیرد. و در برابر انسان‌های دیگر نیز قرار می‌گیرد. هر آن‌چه که در مورد رابطه انسان با کارش، محصول کارش و خودش صدق دارد، در مورد رابطه‌اش با انسان‌های دیگر نیز مصداق پیدا می‌کند. هر انسانی از دیگران بیگانه است. مارکس مفهوم بت‌انگاری کالاها که برای تحلیل اقتصادی او جنبه‌ای کانونی دارد، بارها اصطلاح از خود بیگانگی را به کار بسته بود. کالاها محصولات کار از خود بیگانه انسان و تجلیات تبلور یافته همین کارند که به سان هیولایی بر آفریندگانش چیره گشته‌اند. در یک جامعه از خود بیگانه، کل وضع ذهنی انسان‌ها و آگاهی‌شان، تا حد زیادی بازتاب شرایطی‌اند که انسان‌ها در آن‌ها خودشان را می‌یابند و نیز منعکس‌کننده پایگاه‌های متفاوت آن‌ها در فراگرد تولیدند (کوزر، ۱۳۷۷: ۸۷-۸۴).

فرایند زیست‌جهان و نظام

هابرماس، در تئوری کنش‌ارتباطی دو مفهوم جهان‌زیست و «نظام» را در تقابل با هم‌دیگر مطرح می‌کند. جهان‌زیست را باید همان جهان معنی و کنش‌ارتباطی و توافق و رابطه ذهنی بین انسان‌ها دانست، جهانی که یک مفهوم مکمل برای کنش‌ارتباطی بوده و فضایی است که در آن کنش‌ارتباطی صورت می‌گیرد. این فرایند شامل حوزه‌ای از تجربیات فرهنگی و کنش‌های متقابل ارتباطی بوده که به طور اساسی قابل‌درک و ذاتاً آشنا هستند و پایه‌ای برای تمام تجربیات زندگی به شمار می‌روند. مولفه‌های اساسی این فرایند عبارت‌اند از: فرهنگ، شخصیت و جامعه. جهان‌زیست درک‌های مشترکی، شامل ارزش‌هاست که از طریق تماس‌های صورت به صورت در میان گروه‌های اجتماعی مختلف دائماً (از خانواده گرفته تا جوامع بزرگ) صورت می‌گیرد. چنین جهان‌زیستی مفروضاتی دارد؛ ما به عنوان انسان چه کسی هستیم؟ چه چیزی را ما درباره خود ارزش می‌دانیم؟ به چه چیزی اعتقاد داریم؟ چه چیزی به ما ضربه روحی وارد می‌کند؟ آرزوی چه چیزی را داشته باشیم؟ به چه چیزی تمایل داریم؟ چه چیزی را می‌خواهیم برای این اهداف قربانی کنیم؟ حضور در زیست‌جهان به این است که در این احساس عمومی که ما چه کسی هستیم، مشارکت کنیم (شفیعی: ۱۵۸).

هابرماس، در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، بحث مفهوم جهان‌زیست را به ویژه با استناد به دورکیم و جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه‌ی مید و شوتس آغاز می‌کند. به نظر شوتس، جهان‌زیست، جهان‌زیستن روزمره و حوزه‌ی تام تجربه‌ی فرد از جمله اندوخته‌ی تجربه‌های پیشین است، موقعیتی است که آن را زندگی‌نامه تعیین کرده و فرد، چه بخواهد چه نخواهد، در آن فرو رفته است. جهان مسلم فرض شده‌ی است که در آن افراد می‌کوشند اهداف عملی خود را محقق کنند. به نظر هابرماس، جهان‌زیست، افقی از آگاهی است که هر دو حوزه‌ی عمومی و خصوصی را در بر می‌گیرد. حوزه‌ی شکل‌گیری هویت و کنش‌ارتباطی است. هابرماس، همراه با تحقیق‌اش

درباره‌ی جهان زندگی در پرتو نظریه‌ی تالکوت پارسونز درباره جامعه به مثابه نظامی اجتماعی، به ارائه‌ی نظریه‌ای درباره‌ی تکامل جامعه و تکامل فرد در آن، به ویژه از نظر پیدایش آن‌ها در محدوده‌ی هنجارها و شکل‌های نمادین خاص، می‌پردازد (لچت، ۱۳۹۲: ۲۹۱).

در جهان معاصر، عقلانیت با نرخ برابری در هر دو سطح رشد نکرده است. در نتیجه، جهان زندگی تحت چیرگی یک نظام اجتماعی عقلانی در آمده است. در نتیجه، جهان زندگی روزانه دچار فقر شده است و جهان زندگی بیش از پیش بیمایه گشته است. به نظر هابرماس، راه‌حل این قضیه در رهایی جهان اجتماعی از چنگ استعمار نظام اجتماعی نهفته است، تا از این طریق، جهان اجتماعی بتواند به شیوه مناسب خود (توافق ارتباطی آزادانه) عقلانی گردد (ریترز، ۱۳۷۷: ۶۰۵).

رنالیسم

اشتیاق آتشین هنرمند بزرگ به واقعیت، تعصب‌ورزی او نسبت به واقعیت و جنبه‌ی اخلاقی آن یعنی صداقت نویسنده (لوکاچ، ۱۳۷۵: ۲۴).

تلاش اساسی برای بنیانگذاری نوعی نظریه مارکس‌زیباشناختی به اوایل قرن بیستم می‌رسد در دهه ۱۹۳۰ از نویسندگان علاقه خاصی به اصلاحات اجتماعی نشان می‌دادند و بر کار برد ادبیات در خیزش پرولتاریا تاکید داشتند (ویلفر، ۱۳۷۶: ۳۷۰).

واقعیت‌گرایی (رنالیسم) باز نمودن متناسب، واقعی تمامیت شخصیت انسان، در ارتباط پیکرمانی (ارگانیک) با عوامل اجتماعی و تاریخی است. لوکاچ معتقد است رنالیسم راستین انسان و جامعه را مانند هستی یکپارچه‌ای نشان می‌دهد. رنالیست‌های بزرگ، مانند بالزاک و تولستوی، همیشه صورت نهایی مسئله را با درمیان گذاشتن مهم‌ترین و حادثترین مشکلات جامعه طرح می‌کنند و آن‌گاه به دیگر مسائل می‌پردازند. نیروی برانگیزاننده‌ی آن‌ها به عنوان نویسنده همواره از رنج‌های عمیقی مایه می‌گیرد که دست به گریبان مردم زمانه است. همین رنج‌هاست که غایت و جهت عشق و نفرت ایشان را در کار نویسندگی تعیین می‌کند. و در گذار بروز همین عواطف دوگانه است که معلوم می‌شود آنان در بینش شاعرانه و ادیبانه‌ی خود چه می‌بینند و چگونه می‌بینند (لوکاچ، ۱۳۷۳: ۱۵-۸؛ به نقل از ارشاد: ۱۱۱-۱۱۰).

کنش جمعی

کنشی ناشی از اقدامی جمعی جهت تغییر وضع کنونی، چه برای همیشه، چه برای زمانی کوتاه می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۰۸) گروه‌های انسانی، تجمع افرادی است که با هم کنش و واکنش دارند. کنش شامل فعالیت‌های کثیری است که افراد انسانی در طی برخورد با افراد دیگر یا در مقابل وضعیت‌های مختلف انجام می‌دهند، گروه و جامعه انسانی اساساً در حال کنش هستند و از این رو باید به آنان از دیدگاه کنش متقابل نگریست (توسلی، ۱۳۷۴: ۳۱۹).

در کنش مردم به صورت فردی یا جمعی بر اساس معنی چیزهایی که جهان را تشکیل می‌دهند رفتار می‌کنند. در کنش اجتماعی، خواه فردی و خواه جمعی، در یک جریان توجیه و تفسیر وضعیتی که افراد با آن مواجهند، ساخته می‌شود (همان: ۳۲۲-۳۱۹).

از دیدگاه پارسنز، یک نظام اجتماعی قبل از هر چیز در نخستین برخورد شبکه‌ای از روابط متقابل میان افراد میان گروه‌ها است و عوامل زیادی را به هم پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر هر عامل در یک نظام اجتماعی به ویژه از دید کنش متقابل آن با دیگر عامل در نظر گرفته می‌شود. در این دیدگاه پدیده‌های مادی، نمادی و فرهنگی در معنای اخص به نظام اجتماعی تعلق ندارد بلکه به عنوان عوامل بیرونی که کنش متقابل میان عامل‌ها را مشروط یا تعیین می‌کند شناخته می‌شود (همان: ۱۹۱).

جامعه مجموعه‌ای از کنش و واکنش‌هایی است که مطابق الگوهای رفتاری اجتماعی به مرور شکل گرفته است. افرادی که به جامعه وارد می‌شوند در مقابل شکل‌های خاصی از اندیشیدن و فکر کردن قرار می‌گیرند و جامعه را آن طور می‌بینند که آموزش‌های آنان ایجاب می‌کند. افراد با چشم مسائل را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند، بلکه با مغز آن‌ها را می‌فهمند و ساختار فکری مغزی آن‌ها نیز آموزش‌هایی است که از جامعه گرفته‌اند (رضاقلی، ۱۳۷۱: ۶۱).

روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل محتوا با تاکید بر ساختارگرایی تکوینی می‌باشد. و از نظریه کنش ارتباطی هابرماس استفاده خواهد شد.

روش پژوهش در این تحقیق، کیفی از نوع روش تحلیل محتوا است. منظور از این روش آن است که بر اساس خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور واقع‌بینانه یا عینی و سیستماتیک شناخت (همان: ۱۰۹-۱۰۷).

تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحقیق^۱ است و به درستی می‌توان گفت هر محقق به هر صورتی با آن سروکار دارد.

استفاده از تکنیک تحلیل محتوا در علوم اجتماعی بر این پایه بنا شده است که انسان‌ها به منظور روابط اجتماعی، با یکدیگر تبادل افکار دارند و این تبادل و ارتباط عموماً از طریق زبان، سخن گفتن و نوشتن انجام می‌گیرد. منظور از این روش آن است که بتوان براساس آن خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور واقع‌بینانه یا عینی و به طور سیستماتیک شناخت و از آن‌ها استنتاج‌هایی درباره مسائل غیرزبانی یعنی درباره خصوصیات فرد اجتماعی‌گوینده یا نویسنده و یا یک متن بدست آورد. منظور از متن محتوا، کلیه ساخت‌ها از علائم گوناگون (زبانی، موسیقی، تصویری و حتی جسمی مانند مجسمه- ای) است که از طریق آن ارتباط برقرار می‌شود (رفیع‌پور: ۱۰۷).

^۱ Research Methods

تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌ها، روزنامه، اسناد رسمی، خطابه‌های اعلامیه‌های سیاسی ریا، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه‌حضوری به کار بست (کیوی و دیگری، ۱۳۸۷: ۲۳۷). هدف تحلیل محتوا مانند همه تکنیک‌های پژوهشی فراهم آوردن، بیش‌نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کرپیندورف، ۱۳۸۸: ۲۵).

مزایای دیگر این که تحلیل محتوا تکنیکی غیرمخل است. اطلاعات آن موجودند و باید استنتاج شوند و هم‌چنین تحلیل محتوا می‌تواند از پس حجم عظیمی از داده‌ها برآید (همان: ۳۹-۳۶). تحلیل محتوا محقق را مجبور می‌کند از تفسیر آنی و نسجیده، مخصوصاً از تفسیرهای نسجیده‌ی خودش فاصله بگیرد. هم‌چنین بسیاری از روش‌های تحلیل محتوا به شیوه‌ای منطقی و انتزاعی ساخته شده‌اند بدون آن که به کار عمق تحقیقی یا به ابتکار عمل و خلاقیت لطمه‌ای وارد کند. از معایب تحلیل محتوا می‌توان گفت که در این روش تعمیم مشکل است زیرا محدودیت و مسائل این روش‌ها از روش به روش دیگر بسیار متغیر است. گونه‌های متفاوت روش تحلیل محتوا به هیچ وجه هم‌ارز و معادل یکدیگر نیستند (کیوی و دیگری: ۸۷).

از معایب دیگر تحلیل محتوا آن این که تحلیل محتوا محدود به ارتباطات ثبت شده است. این گونه ارتباطات شفاهی، مکتوب و یا تصویری می‌باشند. ولی باید آن‌ها را به شیوه‌ای ثبت کرد که بتوان به تحلیل آن پرداخت (بی، ۱۳۸۱: ۶۶۴).

روش گردآوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات اولیه از طریق مطالعه کتب مرتبط با جامعه‌شناسی ادبیات، کتب تاریخی مرتبط با حکومت پهلوی و فعالیت‌های زنان، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و جستجو در سایت‌های اینترنتی بوده است. در مطالعه کتابخانه‌ای به لحاظ نوع روش تحقیق شیوه گردآوری داده‌ها در دو مرحله صورت می‌گیرد:

دو سطح بررسی در روش ساختارگرایی تکوینی

الف) در مرحله اول سطح دریافت:

در این مرحله پژوهشگر باید یک الگوی ساختاری معنادار نسبتاً ساده را برگزیند، الگویی که از تعداد محدودی از عناصر و پیوندهای میان این عناصر ساخته شده باشد و بتواند تقریباً تمامیت متن را توضیح دهد. به شرط آن که کل متن در نظر گرفته شود و هیچ چیزی به آن افزوده نگردد. سه نکته مهم:

۱. به آسانی می‌توان برای اثری واحد، چندین الگوی معنادار برگزید که هر یک از آن‌ها تا حدی اثر را توضیح می‌دهد و البته بخشی از آن را نادیده می‌گیرد. این بدان معناست که پژوهش، هنگامی واقعاً کارآمد می‌شود که بتوان میان الگو و متن چنان پیوندی برقرار کرد که کلیت متن را در برگیرد.

۲. پیامد ضروری گزینش هر الگویی این است که برخی از عناصر متن، از برخی دیگر برتر شمرده می‌شوند که در نظر گاه برگزیده، فرعی می‌نمایند. این تمایز دقیقاً تابع تفسیر انتخاب شده است اما پژوهشگر در هیچ حالتی نباید چنین تمایزی را در آغاز کار خویش انجام دهد. این تمایز فقط هنگامی می‌باید صورت پذیرد که پژوهشگر به دلایل کمی الگوی خود را پیشتر انتخاب کرده است.

۳. حذف بخشی از متن یا افزودن عناصری بیگانه به آن، گاهی شکل‌هایی بی‌نهایت ظریف پیدا می‌کند که برای پیشگیری از آن‌ها باید هشیار بود.

به طور کلی در سطح دریافت که در آن سعی می‌شود یک الگوی ساختاری معنادار طراحی شود که بر اساس سوالات اصلی تحقیق ساختار معنایی مورد نظر از افق دیدگاه امروزی مورد بررسی قرار گیرد.

(ب) در سطح تشریح:

دومین سطح، یعنی سطح تشریح باید در فرجام خود میان الگوی ساختاری که سازنده وحدت و معنای اثر است، با گرایش‌های یک فاعل یا آفرینندی فوق فردی (جمعی)، با یک گروه اجتماعی می‌توان برقرار کرد. البته نقش نویسنده را به عنوان میانجی نمی‌توان به هیچ رو انکار کرد، ولی پیوند میان اثر و نویسنده هیچ‌گاه ضروری نیست. راسین مولیر یا شکسپیر اگر در محیطی دیگر بزرگ شده بودند و آموزشی متفاوت داشتند چه بسا می‌توانستند با نگارش آثاری غیر از آن‌چه نوشته‌اند به حل مسائل فردی خویش بپردازند.

در این مرحله با جمع‌آوری داده‌ها شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اوضاع کشور در سال دهه ۱۳۳۰ و با تاکید بر کودتا علیه دولت دکتر مصدق و وضعیت زنان در آن دوره از دیدگاه جامعه‌شناختی با استفاده از زاویه دیدگاه کنش‌ارتباطی هابرماس مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت فیش‌برداری است هر فیش برگه‌ای است در حدود نیم صفحه معمولی. بالای صفحه خالی است چون پس از برداشتن یادداشت‌ها و کامل شدن فیش‌برداری، باید نام یا شماره بخش یا حتی فصلی که در آن به کار می‌آیند نوشته شود (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

گلدمن ادراک را حاصل شناخت ساختار معنادار اثر و تبیین را حاصل گنجاندن این ساختار در ساختار فراگیر، اجتماعی می‌داند.

با توجه به کیفی بودن تحقیق حاضر دسترسی به مقالات علمی و اسنادی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و همین‌طور از راهنمایی‌های استاد راهنمای محترم و از کتابخانه دانشگاهی و اینترنت استفاده خواهد شد.

واحد و سطح تحلیل

با توجه به هدف پژوهش، بر مفاهیم نوشتاری در ۱۵ بخش و داستان زندگی ۵ زن، داستان به صورت دیگر انتقال مفاهیم مانند: نمادها، جملات مهم و ... مورد توجه قرار می‌گیرد.

جامعه آماری

وضعیت زنان در دهه ۳۰ مورد نظر بوده که زنان در رمان هم بخشی از این جامعه آماری هستند. بخش‌های پانزده‌گانه کتاب شامل داستان‌های مجزا و کوتاه هستند. اما در ادامه با ایجاد حلقه‌های اتصال همه شخصیت‌ها به هم مرتبط می‌شوند. و یک داستان واحد شکل می‌گیرد. یک داستان واقع‌گرایانه به همراه استفاده از تخیل نویسنده که روند داستان را در دست می‌گیرد. در هر بخش به اعمال و تفکر پنج شخصیت زن پرداخت می‌شود و همین‌طور از نمادهای موجود در متن استفاده می‌گردد.

جامعه آماری در سطح دریافت

۱. کتاب زنان بدون مردان نوشته شهرنوش پارس‌پور
۲. جامعه آماری در سطح تشریح: در سطح تشریح در جامعه ایران از سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۳۲ هجری - شمسی.

نمونه آماری (حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)

نمونه آماری: «رمان زنان بدون مردان» از آن‌جا که مفاهیم در تحقیق کیفی نقش محوری دارند و همچنین از آن‌جا که معمولاً هدف اصلی و یا یکی از اهداف چنین تحقیقی نظریه‌پردازی یا دست کم تحلیل نظری است. از این رو نمونه‌گیری در تحقیق کیفی را نمونه‌گیری مفهومی یا نمونه‌گیری نظری می‌نامند. زیرا در تحقیق کیفی هدف محقق، شناسایی، رشد، توسعه و مرتبط کردن مفاهیم با یک‌دیگر است. لذا، وقتی می‌گوییم باید به نمونه‌گیری نظری پرداخت، یعنی باید بر مبنای مفهومی که از دیدگاه نظری به نظریه مورد نظر محقق مربوطاند نمونه‌گیری شوند (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۷).

نمونه‌گیری مفهومی، یعنی انتخاب گروه‌ها یا مقولاتی برای مطالعه بر مبنای ارتباط آن‌ها با سوال تحقیقی، موضع نظری، چارچوب تحلیلی و یا تحلیل عملی و مهم‌تر از همه توضیح و تبیینی که محقق می‌خواهد ارائه دهد است (به نقل از محمدی، ۱۳۹۰: ۶۷). نمونه آماری در این تحقیق، کتاب زنان بدون مردان است که با استفاده از ۱۵ فصل و پنج شخصیت اصلی زن و مجموع حوادث، تمثیل‌ها و روایت با بررسی مجموعه آثار نویسنده انتخاب شده است. در ادامه گروه‌ها، افراد و یا صحنه‌ای را که بر اساس مسئله تحقیق و سوالات تحقیق مشخص نمودیم انتخاب کرده تا معلوم شود چه اطلاعاتی لازم و ضروری است.

تعیین روایی و پایایی

در این تحقیق سعی شده است کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های که انتخاب می‌شود دارای شرایط زیر باشد:

۱. در حیطه جامعه‌شناسی ادبیات باشد.
 ۲. در ارتباط با جامعه‌شناسی رمان به نگارش در آمده باشد.
 ۳. در ارتباط با مسایل تاریخی مرتبط با دهه ۳۰ هجری شمسی پرداخته باشد.
 ۴. و از مسائل مهم دارای اعتبار علمی بوده و اساتید مطرح در این حوزه‌ها آن را نوشته باشد.
- علاوه بر این موارد در انتخاب منابع مورد استفاده از نظر استاد راهنمای و دیگر محققان استفاده شده است و در مراحل مختلف روند کار با بازخوانی مطالب توسط آن‌ها از نظر و راهنمایی این اساتید استفاده شد.

آغازین پژوهش در جهت «تعیین هم‌ارزی و مشابهت ساختاری بین ساختار روایی و زیبایی‌شناختی رمان زنان بدون مردان و ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران در تاریخ وقوع و خلق این اثر داستانی» شروع شد. در روند پژوهش از روش ساختارگرایی تکوینی گلدمن مورد استفاده قرار گرفت و همین‌طور از نظریه کنش ارتباطی هابرس در جهت بررسی زیست‌جهان زنان داستان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

رمان زنان بدون مردان روایت گوشه‌ای از زندگی زنان این سرزمین است که به دلایل مختلف از حق طبیعی خود محروم شده‌اند و تاریخ این سرزمین از محدودیت‌های گوناگون بر آزادی‌های مشروع این قشر حکایت از زنانی دارد که چه در خانه پدری و چه در خانه همسر محدودیت‌های زیادی را تجربه می‌کنند. سوال تحقیق این بود که:

- آیا ساختار زیباشناختی رمان و ساختار عینی جامعه در زمان پرورش و آفرینش اثر از سوی دیگر روابط متقابل و همخوانی (هم‌ارزی) ساختاری وجود دارد.

باتوجه به انتخاب ۱۵ بخش رمان و شخصیت‌هایی که بار روایی رمان را به دوش می‌کشند، زنانی که تحصیل کرده‌اند و زنانی که از اقشار ضعیف و بی‌سواد جامعه هستند، در دورانی که تنها حکومت دموکراتیک توسط کشورهای غربی و عوامل داخلی سقوط کرده است جنبش‌های آگاهی بخش زنان زیر چتر حکومت قرار می‌گیرند و مسیری را طی می‌کنند که به سمت هدف حکومتی است. آن‌ها زنان را به سمتی هدایت می‌کنند که سیاست‌مداران غربی به آن‌ها دیکته کرده‌اند، باتوجه به بررسی وضعیت زندگی زنان و موقعیت اجتماعی و سیاسی دهه سی شمسی در ایران و وجود یک حکومت مستبد و ساختار داستان و زندگی زنان داستان هم‌ارزی و مشابهت ساختاری وجود دارد.

شهرنوش پارسی‌پور با مطرح کردن مسئله بکارت به عنوان یکی از مشکلات و محدودیت‌های مربوط به زنان می‌نویسد.

مونس می‌گوید: البته، بدبختانه هنوز دوره‌یی نیست که زن تنها سفر برود. یا باید نامریی بشود، یا باید چشمش کور در خانه بماند. اما بدبختی من دیگر نمی‌توانم در خانه بمانم، با این حال چون زن هستم بالاخره باید در خانه بمانم منتهی شاید بشود یک مقداری جلو بروم، بعد بچپم توی یک خانه، دوباره مقداری بروم باز بچپم توی یک خانه دیگر. همین طوری شاید بتوانم به سبک لاک پشت دنیا را گشت بزوم. این است که با کمال میل دعوت شما را قبول می‌کنیم (پارسی‌پور: ۴۴).

در فصل مربوط به فرخ‌لقا نویسنده می‌نویسد: فائزه پیشنهاد کرد تا آخوند بیاورند و عقد رسمی کنند و باغبان مخالف بود. توضیح داد که خودش صیغه را خواهد خواند و احتیاجی به آخوند نخواهد داشت. فائزه هم چنان گریه می‌کرد. فرخ لقا گفت:

حالا خانم چه اشکالی دارد؟ مگر نمی‌شود بی‌بکارت زندگی کرد. من سی و سه سال است که بی-بکارت زندگی می‌کنم.

مونس گفت: فائزه جان من دوباره مردم و زنده شدم حالا مسائل را طور دیگری می‌بینم. من آخر به تو چه بگویم؟ خدا شاهد است اگر بال داشتم پرواز می‌کردم. بدبختی این است که دو بار مردم ولی هنوز روحم خاکی است. به خدا باور کن این بکارت اصلا مهم نیست.

مردان برای این در کنار زنان حضور پیدا می‌کنند. چون برای کاری بدنی و کارهای سنگین به آن‌ها نیاز می‌باشد.

فرخ‌لقا بی‌نهایت خوشحال بود. گفت:

خانم‌ها من این خانه را می‌خواهم وسعت بدهم. باغبان (مرد) به من گفت که بنایی هم بلد است. فقط او را از اولاد آدم نگاه می‌داریم. خودمان کار بنایی را راه خواهیم انداخت (همان: ۴۴).

به نظر نویسنده زن باید در اجتماع حضور داشته باشد تا جلوی این بی‌عدالتی‌ها را در حق خودش بگیرد. هیچ از زن‌های خانه خوشم نمی‌آید. زن باید اجتماعی باشد. زن باید به مردش کمک کند تا در اجتماع پیش برود. همه‌اش که نمی‌شود گوشه‌ی آشپزخانه نشست (همان: ۴۹).

فرخ‌لقا فکر وکیل مجلس شدن را به صورت جدی تعقیب می‌کرد. با بی‌صبری منتظر پایان کار ساختمان بود تا مردم مهم را دعوت بکند. در بحث با مونس به این نتیجه رسیده بودند که او باید کار اجتماعیش را با شهرت شروع کند. مونس پیشنهاد کرده بود شعر بگوید و شعرهایش را در روزنامه‌ها و مجله‌ها چاپ کند اندک اندک مشهور شود (همان: ۴۶).

در ارتباط با حضور زنان می‌نویسد:

- هرگاه مرد در خانه بود قدرت حرکت از او سلب می‌شد، مجبور بود گوشه‌ای کز کند. عادتی ۳۲ ساله داشت به بی‌حرکتی. به سکون خو گرفته بود. فقط این را می‌دانست و غریزی می‌دانست که همراه خروج گلچهره حرکت و شادی هم می‌آید. در قدیم شادی بیشتر بود چون به هر حال گلچهره حداقل هشت ساعت در روز نبود ... با بازنشستگی این شادی از او گرفته بودند مرد نه تنها بیشتر اوقات خانه بود بلکه مزاحم هم بود(همان: ۲۹).

نویسنده رمان با استفاده از واژه‌های عرفانی و نمادهایی که دیگر نویسندگان معاصر بیان کرده‌اند (مثل درخت، نیلوفر، مرگ و ...) او خواستار رهایی و آزادی زنان و احقاق حقوق آن‌ها از جامعه مردسالار می‌باشد و هیچ قید و بندی را چه از طرف زنان و چه از طرف مردان برای محدود کردن زنان نمی‌پذیرد. با این حال رسیدن به این هدف را با حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی در کنار مردان قابل دسترس می‌داند.

- به نظر می‌رسد که احساس از خود بیگانگی زنان به علت عدم وجود آگاهی یکپارچه در زندگی روزانه بوده است.

با توجه به بررسی وضعیت اجتماعی زنان و مفاهیم مشترک و جداول تهیه شده نشان می‌دهد که زنان در دوران مورد نظر به علت وضعیت تعیین شده برای آن‌ها در زیست‌جهانی زیسته‌اند که از وضعیت خود آگاهی نداشته و بیشتر آن را امری بدیهی و غیرقابل تغییر می‌دانسته‌اند. از بررسی وضعیت زنان و عدم حضور موثر در بیرون از خانه و عدم کنش ارتباطی با سایر زنان تاثیرگذار در مسایل فرهنگی، بینش و آگاهی یکپارچه‌ای در میان زنان به وجود نیامده بود و از دلایل اصلی آن تفکر مسلط و غالب مردانه در تصمیم‌گیری برای زنان بوده است.

پارسی‌پور می‌نویسد: مهدخت سرش را به دیوار کوبید، چند بار سرش را کوبید، آن قدر کوبید تا به گریه افتاد. میان حق‌گریه فکر کرد امسال حتماً تور دور آفریقا می‌گیرد. به آفریقا می‌رود تا بروید. دلش می‌خواست درخت گرمسیری باشد. دلش می‌خواست و همیشه کار دل است که آدم را به دیوانگی می‌کشاند. شاید امیرخان آن‌جا باشد مسلماً نمی‌توانست راحت حرف‌هایش را بزند. اصلاً می‌توانست حرف بزند. باید باز همه چیز را در دلش نگه می‌داشت و باز دچار تردید و تامل می‌شد(همان: ۷).

- فائزه جایی خوانده بود مردمی که صورت گرد دارند احمق به دنیا آمده‌اند. آن موقع که خوانده بود با سرعت خودش را به آینه رسانده بود و به صورتش نگاه کرده بود. می‌دانست که صورتش گرد نیست ... اما مونس صورتش گرد به دنیا آمده بود. گرد گرد

- امیرخان گفت بیرون بروم. گفت سر می‌برند(همان: ۱۰).

امیرخان گفت:

- من که به تو گفتم نباید در شلوغی راه بروی ای بی‌حیا.

این را گفت و کمر بندش را از کمر باز کرد و به جان مونس افتاد. البته پیر دختر نمی‌دانست چرا کتک می‌خورد. مدتی کتک خورد و حیرت کرد و عاقبت پرسید: امیرخان مگر آزار داری؟
به مجرد شنیدن این جمله خون جلوی چشمان امیرخان را گرفت. کارد میوه‌خوری را از روی میز ناهارخوری برداشت و با شدت در قلب مونس فرو کرد. پیر دختر برای دومین بار با آه کوتاهی زندگی را بدرود گفت (همان: ۱۷).

- به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی سال‌های دهه ۳۰ و حوادث مرتبط با آن بر آگاهی زنان برای دستیابی به حقوقشان تاثیر داشته است.

در یک حکومت مستبد و دیکتاتوری، که در عرصه‌های مختلف سیاسی مانع فعالیت‌های آزادانه می‌باشد تشکیل و حمایت از جنبش زنان در راستای دیدگاه‌های حکومتی است. حکومت زنان را وادار به همکاری با دولت کرده تا بیشتر تحت کنترل باشند و زنان یک هویت تعریف شده دولتی می‌گیرند و به صورت ظاهری هم شده حقوقی را که قبلاً پایمال شده است به دست می‌آورند.

با توجه تحلیل ساختاری دهه مورد نظر و رواج تحصیل رسمی دختران و حضور بسیاری از زنان در عرصه مسایل فرهنگی و سیاسی و پیگیری جنبش‌های زنان برای به دست آوردن حق رای و موفقیت نسبی آن‌ها در این عرصه زنان موفقیت‌های نسبی در این زمینه داشته‌اند.

منابع

- آریان‌پور، ا؛ و دیگری. (۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی هنر**. (اجمالی از تحقیق درباره جامعه‌شناسی هنر). تهران: دانشکده‌های هنرهای زیبا. آوینی، م. **از شهرنوش پاریسی پور تا مایکل جکسون**. سایت <http://www.aviny.com> ۹۳/۱۰/۲۰.
- ارشاد، ف. (۱۳۹۱). **کندوکاوی در جامعه‌شناسی ادبیات**. تهران: نشر آگه.
- اسحاقی، ح. (۱۳۷۳). **فمنیسم، توطئه غرب علیه زنان**. **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم**. شماره دی و بهمن، صص ۷۹ - ۶۹.
- اسکارپیست، ر. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه: م، کتبی. تهران: نشر سمت.
- ایوتادیه، ژ. (۱۳۷۷). **جامعه‌شناختی ادبیات و بنیانگذاران آن**. گزیده و ترجمه: م، پوینده. تهران: نشر چشمه. چاپ اول.
- ببی، ا. (۱۳۸۱). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه: ر، فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: ب، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ چهارم.
- پاریسی‌پور، ش. (۱۳۶۸). **زنان بدون مردان**. <http://clq.iranjournals.ir> ۹۳/۸/۱۰.
- پوینده، م. (۱۳۹۲). **درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**. تهران: نشر ابتکار.
- ترابی، ع. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی ادبیات فارسی**. تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- توسلی، غ. (۱۳۷۴). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: نشر سمت. چاپ پنجم.
- جلایی‌پور، ح. (۱۳۹۲). **جامعه‌شناسی ایران (جامعه‌کژمردن)**. تهران: نشر علم. چاپ اول.
- خدابخشی، ن؛ و دیگران. (۱۳۸۸). **تحلیل چند سطحی سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری فضای تنظیمی کنش**. **فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی**. دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر. سال سوم، پیش شماره ۴.

- خسروی شکیب، م. (۱۳۸۱). بررسی اندیشه فمینیسم در آثار شهرنوش پارسی‌پور و مارگریت دوراس. **مطالعات ادبیات تطبیقی**. دوره چهارم، شماره پانزده، صص ۹۵-۸۱.
- راودراد، ا. (۱۳۹۰). **نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- رضاقلی، ع. (۱۳۷۱). **جامعه‌شناسی خودکامگی**، (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش). تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۱). **کندوکاو و پنداشته‌ها**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رنجبر عمرانی، ج. (۱۳۸۵). **سازمان زنان ایران**. تهران: انتشارات موسسه تاریخ معاصر ایران.
- روح الامینی، م. (۱۳۷۹). **نمودهای فرهنگی و اجتماعی**. تهران: انتشارات آگاه.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- رید، ی. (۱۳۸۰). **آزادی زنان**. ترجمه: ف. مقصودی. تهران: نشر گل آذین.
- زاهدی، ف. و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی نقش‌های جنس‌گرایانه در دو نمایشنامه خواب در فنجان خالی و شکلک اثر نغمه ثمینی. **مجله جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**. سال ۴، شماره ۲، صص ۹۶-۸۱.
- زیمای، پ. (۱۳۷۷). **روش‌های تجربی و دیالکتیکی در جامعه‌شناسی ادبیات درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه: م. پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- سارتر، ژ. (۱۳۶۳). **ادبیات چیست**. ترجمه: ا. نجفی و دیگری. تهران: چاپ رشدیه.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۶). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شفیعی، م. (۱۳۸۴). **نظریه کنش‌ارتباطی**. فصلنامه دانش سیاسی. دوره اول، شماره دوم.
- شمیسا، س. (۱۳۸۲). **نگاهی به سپهری**. تهران: انتشارات صدای معاصر.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۵). **بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمای**. فصلنامه **تعلیم و تربیت**. شماره ۸۷.
- ضیاء الدینی، ع. (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی نیما**. تهران: انتشارات نگاه.
- عمید، ح. (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات سپهر. چاپ دوم.
- عنبرسوز، م. (۱۳۹۰). **زن در ایران باستان**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- غلام، م. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی رمان معاصر فارسی**. **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران**. شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۱۸۸-۱۴۰.
- قبادی سامیان، پ. (۱۳۹۱). **بررسی جامعه‌شناختی رمان مهره مار اثر محمود اعتمادزاده (به آذین)**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- کاپرا، ف. (۱۳۸۶). **پیوندهای پنهان**. ترجمه: م. حریری اکبری. تهران: نشر نی.
- کریندورف، ک. (۱۳۸۸). **تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی**. ترجمه: ه. نایی. تهران: نشر نی.
- کمالی فرد، ش. (۱۳۸۷). **بررسی جامعه‌شناختی رمان جزیره سرگردانی**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- کوثری، م. (۱۳۷۹). **تاملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات**. تهران: انتشارات مرکز.
- کوزر، ل. و دیگری. (۱۳۸۵). **نظریه‌های بنیادین جامعه‌شناسی**. ترجمه: ف. ارشاد. تهران: نشر نی.
- کوئن، ب. (۱۳۷۸). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه و اقتباس: غ. توسلی و دیگری. تهران: انتشارات سمت.
- کیوی، ر. و دیگری. (۱۳۸۷). **روش تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه: ع. نیک‌گوهر. تهران: نشر توتیا. چاپ سوم.
- گلدمن، ل. (۱۳۸۱). **جامعه، فرهنگ، ادبیات**. ترجمه: م. پوینده. تهران: نشر چشمه. چاپ سوم.
- گلدمن، ل. و دیگری. (۱۳۷۷). **درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه: م. پوینده. تهران: نشر چشمه.

- لجت، ج. (۱۳۹۲). **پنجاه متفکر بزرگ معاصر (از ساختارگرایی تا پسامدرنیته)**. ترجمه: م. حکیمی. تهران: انتشارات خجسته. چاپ چهارم.
- لوکاچ، ج. (۱۳۷۷). **درباره رمان، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه: م. پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- محمدی، ب. (۱۳۹۰). **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معین، م. (۱۳۸۲). **فرهنگ فارسی معین**. جلد چهارم. تهران: چاپ آزاده.
- مهرجویی، د. (۱۳۸۵). **هربرت مارکوزه، بعد زیباشناختی**. تهران: انتشارات هرمس.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۶۹). **صد سال داستان‌نویسی در ایران**. تهران: نشر تندر. چاپ دوم.
- نامور، ب. و دیگری. (۱۳۸۸). **نقد تکوینی در هنر و ادبیات**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نظری شیخ احمد، ع. (۱۳۹۰). **بررسی جامعه‌شناختی رمان تاریخی اشک سبلان**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- وولف، و. (۱۳۸۸). **اتاقی از آن خود**. ترجمه: ص. نوربخش. تهران: چاپ گلشن.
- ویلفر، گ. و دیگران. (۱۳۸۰). **مبانی نقد ادبی**. ترجمه: ف. طاهری. تهران: نشر نیلوفر.
- هاو، ا. (۱۳۸۷). **یورگن هابرماس**. ترجمه: ج. محمدی. تهران: نشر گام نو.
- همایون پور، ک. (۱۳۸۳). **تحلیل جامعه‌شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی. نشریه هنرهای زیبا**. شماره ۱۹، صص ۸۵-۹۴.
- همایون کاتوزیان، م. (۱۳۹۳). **اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)**. ترجمه: م. نفیسی و دیگری. تهران: نشر مرکز. چاپ بیستم.
- همایون کاتوزیان، م. (۱۳۹۲). **ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر**. ترجمه: ح. شهیدی. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.
- یاوری، ح. (۱۳۸۸). **داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران (گفتارهایی در نقد ادبی)**. تهران: انتشارات سخن.
- یعقوبی، ع. (۱۳۹۳). **نظریه مردانگی (با تاکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی)**. تهران: نشر پژواک.
- یکتا، ا. (۱۳۸۴). **ازل تا ابد (درون کاوی رمان سمفونی مردگان)**. تهران: نشر شمشاد.